

## تحلیلی قرآنی - عقلی از "پل صراط"

سوسن آلرسول

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران.

s\_alerasoul@kiaiu.ac.ir

فهیمة صادقی قهرودی

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران.

### چکیده

آموزه‌های دینی ما حکایت از پلی بر روی جهنم دارند که در آخرت همه به ناچار از آن گذر خواهند کرد. پل صراط بسیار لغزنده و سخت گذر است و عقباتی دارد که هر یک به نامی خاص نامیده می‌شود. عبور انسان‌ها از آن به صورت‌های مختلف است. گروهی به قعر جهنم افتاده، برخی لنگان لنگان و یا معلق و گروهی به سرعت برق از آن می‌گذرند. مقاله حاضر به بررسی و تحلیل این آموزه‌ها بر مبنای آیات قرآن و با نگاهی عقلی می‌پردازد و در نتیجه اثبات می‌کند که صورت باطنی صراطی که انسان در دنیا، در نفس خود می‌پیماید، در آخرت به صورت پلی بر روی جهنم است. عبور همگان از جهنم که حقیقت و باطن دنیاست قطعی بوده و کیفیت عبور از آن نیز وابسته به حقیقت وجودی افراد متفاوت خواهد بود.

کلید واژه‌ها: قرآن، صراط مستقیم، پل صراط، امام.

### مقدمه

صراط در آخرت: پلی است که بر روی جهنم می‌کشند و بدون گذشتن از آن کسی داخل بهشت نمی‌شود. درباره پل صراط و سختی عبور از آن در روایات وارد شده است که از موباریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر است. (قمی، ۱۳۶۷: ۲۹/۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۳۰۶۶/۷) و نیز از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «همانا صراط بر روی جهنم کشیده شده و لغزنده است.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۳۰۶۲/۷) امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ مَجَازِكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ مَزَالِقِ دَخْضِهِ وَ أَهْوَائِلِ زَلَّهِ وَ تَارَاتِ أَهْوَالِهِ» [بدانید که گذر شما از صراط است و از لغزشگاه‌های آن و هراس‌های لغزیدن هایش و وحشت‌های متناوبش]. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۳۰۶۲/۷)

نهج البلاغه، خطبه ۸۳)

از سوی دیگر در قرآن کریم در توصیف احوال و اوضاع قیامت آمده است:  $X$  وَ إِنِّ مِنْكُمْ إِلَّا

وَأَرِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيَابًا [هیچ‌یک از شما نیست مگر این‌که به دوزخ وارد شود، این حکم قطعی پروردگار توست پس ما افرادی را که با تقوا بوده‌اند نجات خواهیم داد و ستمکاران را فرو گذاریم تا در آتش به زانو درافتند.] (مریم: ۷۲-۷۱)

با در کنار هم گذاشتن این آیه و روایات مذکور و مشابه آنها متفکرین تحلیل‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی منظور از "ورود" در آیه شریفه را نزدیکی به جهنم و دور آن گشتن دانسته و مقصود از آن را در جایگاه محاسبه قرار گرفتن توضیح داده‌اند و برخی نیز ورود را همان دخول معنا کرده و آورده‌اند که همه نیکوکاران و بدکاران وارد آن می‌شوند ولی بر مؤمنان امن و سلامت است و سرد، مانند آنچه که بر ابراهیم علیه‌السلام شد. (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۴۸۹/۸) و نیز آمده است که وقتی این آیه کریمه نازل شد از رسول خدا سؤال شد شما هم وارد جهنم می‌شوید؟ فرمود: بلی ولی ما مانند برق خاطف از آن عبور خواهیم کرد. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۱۶۶/۱) نکته قابل توجه این است ورود در آیه شریفه اشراف باشد یا دخول، به هر تقدیر جهنم بر سر راه بهشت است و بهشتیان پس از عبور از جهنم وارد بهشت می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۵۱۱/۱) و برای این عبور باید از پل صراط بگذرند.

تحلیل قرآنی- عقلی پل صراط با اوصافی که در روایات مذکور است و ارتباط آن با صراط مستقیم که هدف و مقصود هر مسلمانی است و در شبانه روز حداقل ۱۰ بار هدایت به آن را می‌طلبند، مسأله اصلی این مقاله است. ما قصد داریم اثبات کنیم که در همه این تعبیر معنای حقیقی‌شان لحاظ شده و هیچ‌گونه مجازگویی یا تقریب به ذهنی صورت نگرفته است.

#### ۱. رابطه صراط دنیوی و اخروی

صراط را سبیل وسیع و روشن، (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۳۱۴/۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۲۶۴/۶؛ صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۶ش: ۹۸۰/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۴۵۷/۱)، راه هموار و آسان گذر، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۹/۲) و راه راست بدون اعوجاج، (طریحی، ۱۳۶۵ش: ۲۱۱/۴؛ طباطبایی، بی تا: ۶۱/۱) به شرط همراهی با مستقیم (بلاغی، ۱۴۰۲ق: ۶۳/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۲۷/۱) نیز معنا کرده‌اند.

صراط مستقیم، امن‌ترین راه به سوی خداست که رهرو خود را به مقصد می‌رساند، (بهرام‌پور، ۱۳۸۶ش: ۴۰/۱) چون از دستبرد شیطان مصون است. شیطان پس از رانده شدن از درگاه خدا به خداوند گفت: X رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ B [خدایا چون مرا گمراه کردی زشتی‌ها را از زمین برای انسان‌ها می‌آرایم و همه را به کام گمراهی می‌کشانم] (الحجر: ۳۹-۴۰) مگر بندگان مخلص تو را که نسبت به آنان تزیین و اغوا ندارم.»

خداوند متعال در پاسخ او فرمود: X هذا صراطٌ عَلَىٰ مُسْتَقِيمٍ<sup>B</sup> (الحجر: ۴۱) یعنی خود عهده‌دار حفظ این راه بوده، به دست شیطان نمی‌سپارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۴۶۹/۱)

در جای دیگر خداوند متعال صراط مستقیم را، راهی معرفی می‌کند که هرگز در هدایت رهرو تخلف ننموده و دائماً بر حال خود باقی است و مردم را قطعاً به مقصود می‌رساند. (طباطبایی، ۶۲/۱) و می‌فرماید: X فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيَدْخُلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا<sup>B</sup>] و اما آن‌ها که به خدا ایمان آورده و از او خواستند تا حفظشان کند، به زودی خدایشان داخل رحمت خاصی از رحمت‌های خود نموده و به سوی خویش هدایت می‌کند، هدایتی که همان صراط مستقیم است. [النساء: ۱۷۵)

بنابراین راه یافتن به صراط مستقیم و پیمودن مراتب آن در دنیا هدف و مقصود هر مومنی است. صراطی که می‌بایست در این دنیا بدان راه یافت و آن را پیمود. راه نیافتن به آن جز از دو حال خارج نیست، یا در زمره ضالین بودن و یا از مغضوبین محسوب شدن و این هر دو به سبب دنیا طلبی و دنیا زدگی و در دنیا ماندن است. پس حقیقت و باطن دنیا همان جهنم است و طبیعت متن جهنم است که در آن عالم ظهور می‌کند. طبیعت جهنم است و اکنون ما در متن جهنم حرکت می‌کنیم اگر این راه را طی کردیم آن روز که جسر جهنم ظاهر می‌شود از آن عبور می‌کنیم.» (خمینی، بی تا: ۲۲۶/۲) پیمودن صراط در آخرت، مستلزم پیمودن مستقیم و صحیح آن در دنیا است.

پس صراط اخروی صورت باطنی و ملکوتی صراطی است که انسان در دنیا با اعمال قلبی و جسمی می‌پیماید. (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۶۶ش: ۱۶۳/۱) هر موجودی علاوه بر جنبه خلقی و محسوس، جنبه‌ی باطنی و غیر محسوسی نیز دارد که آن را جنبه امری و ملکوتی می‌نامند. جهنم نیز باطن دنیاست. (خمینی، ۱۳۷۰ش: ۱۵۰/۱۲؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۱۶۶/۱) و صراطی که بر روی آن کشیده می‌شود راهی است که انسان باید در نفس خود طی کند تا به مقصود که خداست برسد و چون این راه را انسان در دنیا طی می‌کند، لذا این صراط نیز بر روی جهنم قرار می‌گیرد و چون هر کس حتماً باید با مجاهده نفس (در دنیا) با شهوات بر مقصود فائز آید، لذا عبور از جهنم برای تمام افراد حتی انبیاء و اولیاء خدا ضروری است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۱۶۶۹/۱)

امام خمینی (رض) می‌فرماید: «اگر مستقیم از این راه رفتید از آن صراط نیز مستقیم رد می‌شوید. جهنم باطن دنیاست و اگر به سمت راست یا چپ منحرف نشدید از صراط در آن عالم هم مستقیم عبور می‌کنید.» (خمینی، ۱۳۷۰ش: ۱۵۰/۱۲) آتش آن جهنم از شعله‌های شهوت‌ها و گناهان است و انسان کامل سالک که به نور خدا هدایت یافته سریع آن را می‌پیماید. آن هم با نور ایمانی که در دنیا کسب

کرده است. (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۶ش: ۱/۱۶۴) بنابراین پیمودن صراط حق در دنیا نیز مستلزم گذر از آتش و زیر پا گذاشتن آن است.

از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «صراط دوتاست: یکی در دنیا و آن امام مفترض الطاعة است هر کس او را شناخت و به او اقتدا کرد، از صراط که پلی است بر جهنم می‌گذرد و هر کس در دنیا او را نشناخت، قدم‌هایش بر صراط آخرت می‌لغزد و در آتش جهنم فرومی‌افتد.» (بحرانی، ۱۴۱۹ق: ۳۴۲؛ طباطبایی، بی تا: ۷۸/۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۶۶/۸) و به همین خاطر عبور مردم بر آن برحسب تفاوت معرفتشان از امام علیه السلام و اطاعتشان از ایشان، متفاوت می‌گردد. صراط مستقیم درخواست شده در سوره حمد به هر دو صراط اشاره دارد. (قمی، ۱۳۸۷ش: ۱۵۳)

#### تسمیه صراط به امام ریشه قرآنی دارد

صراط مستقیم الهی مقصد و مطلوب انسان و کمال حقیقی بشر است که خداوند متعال، عموم بشر را به رساندن خود به آن مقام دعوت فرموده و طلب چنین کمالی را بر آنان واجب ساخته:  $X$  اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ B (حمد: ۶) و هدایت به آن را خود برعهده گرفته است:  $X$  اِنَّ رَبِّي عَلِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ B (هود: ۵۶) و از آن‌جا که عنقای وجود هر کس را تاب عروج و وصول به مقام همسایگی و قرب حق نیست، خداوند حکیم علاوه بر نور فطرت خداجو و نار محبت و توفیق خویش، بندگان را مروهون رحمت خاصه خود قرار داده و از بین آنان برترین بندگان را برگزیده و با علمی از جنس علم خود، آنان را مخصوص و به زیور عصمت متصف ساخته و عموم بندگان را برای وصول به ولایت خویش به تبعیت و اطاعت و ولایت آنان امر فرموده است. (حمد: ۷-۶؛ نساء: ۶۹؛ مجادله: ۱۱)

این واصلان حقیقی، دارندگان قدرت تصرف بر اعمال و قلوب شاهدان بر اعمال، دارندگان مقام امامت و هادیان به امر الهی هستند که قرآن کریم آنان را با اوصاف نعمت داده‌شدگان، صالحان، صدیقین، شهدا، مخلصین، اولی الامر، دارندگان برترین درجه ایمان و... معرفی می‌کند. اینان به جهت این‌که در ذات خدا فانی و در بقاء او باقی شده‌اند و درواقع صراط مستقیم الهی را که عبارتست از تحقق ولایت الهی از قوه به فعلیت درآورده و با خود متحد ساخته‌اند به آن متصف گردیده و حقیقت صراط مستقیم و هویت آنرا تشکیل داده‌اند و تا انسان موجود است، هدایت او را به سوی ولایت الهی برعهده دارند. لذا در روایات فراوانی ائمه اطهار علیهم السلام و پیامبر اکرم (ص) صراط مستقیم معرفی می‌شوند و آنان که این اولیای الهی را شناخته، در طریق هدایت به آنان اقتدا کنند از صراط آخرت به سلامت می‌گذرند و آنان که پیشوایان معصوم را نشناخته به هدایت آنان مهتدی نشدند، از جسر جهنم

لغزیده به دوزخ فرو می‌افتند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۵۰۸/۱)

به عبارت دیگر، انسان برای عبور از پل صراط باید امضایی داشته باشد و این امضا عبارتست از این که اعمال و رفتارش مشابه با اعمال برترین بندگان باشد. مثلاً: نماز، روزه، جهاد و... وی الگو گرفته و مشابه به برترین نمازها و روزه‌ها باشد تا جواز عبور از صراط را کسب کند و اگر چنین نباشد حرکت برای او امکان‌پذیر نیست و از صراط پرت شده در جهنم فرو می‌افتد و مصداق آیه شریفه:  $X$  عَنْ الصِّرَاطِ لَنَأْكُيُونَ B (المؤمنون: ۷۴) می‌گردد و چون ائمه اطهار علیهم السلام جامع جمیع صفات و مقامات هستند و به مقام ولایت الهی رسیده‌اند، لذا این جواز و امضا به دست آنان است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳-۱۴۱۷ق: ۸۲/۸-۸۰)

## ۲. عقبات صراط در آخرت

صراط کشیده شده بر فراز جهنم، عقبات و گردنه‌هایی دارد:

الامام الصادق علیه السلام: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ - قَالَ قَنْطَرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ لَأَ يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ.» [در باره آیه "همانا پروردگار تو سخت در کمین است" می‌فرماید: کمینگاه پلی است بر روی صراط که هیچ بنده‌ای با داشتن مظلمه‌ای به گردن، از آن نمی‌تواند بگذرد.] (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۰۶۶/۷)

عقبه عبارت است از پرتگاه‌هایی که در کوه‌ها وجود دارد و راه در آن‌جا باریک و خطرناک می‌شود، به طوری که در اثر کمی بی‌احتیاطی و لغزش انسان در درون دره سقوط می‌کند. (حسینی طهرانی، ۱۴۱۷-۱۴۲۳ق: ۹۱/۸) علامه مجلسی (رحمة الله علیه) از کتاب عقاید شیخ صدوق (رحمة الله علیه) نقل کرده که فرمود: «اعتقاد ما در عقباتی که در راه محشر است، آنست که هر عقبه‌ای اسم واجب و فرضی است از اوامر و نواهی الهی، پس انسان به هر عقبه‌ای که می‌رسد اگر تقصیری کرده است در آن عقبه او را هزار سال ننگه می‌دارند و حق خدا را از او می‌خواهند، اگر از عهده آن با عمل صالحی که از پیش فرستاده بیرون آمد و یا رحمت خدا شامل حالش شد از آن نجات می‌یابد و به عقبه دیگری رسد، پس پیوسته او را از عقبه‌ای به عقبه دیگر می‌برند و نزد هر عقبه سؤال می‌کنند از آن‌چه که او انجام داده است، پس اگر از همه سلامت بیرون رفت منتهی به دار بقاء می‌شود و حیاتی می‌یابد که هرگز مرگ در آن نیست و سعادت می‌یابد که شقاوت در آن نیست و در جوار خدا یا پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحان از بندگان خداوند متعال ساکن می‌شود و اگر او را در عقبه‌ای حبس کنند و از او حقی را که تقصیر در آن کرده بخواهند دیگر راه نجاتی نخواهد داشت و با لغزش قدم‌هایش به درون جهنم می‌افتد و این عقبات بر روی صراط است و نام یکی از این عقبات ولایت

است که همه خلایق را نزد آن عقبه باز می‌دارند و از ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و ائمه علیهم‌السلام بعد از او سؤال می‌کنند، اگر به وظایف خود عمل کرده است، نجات می‌یابد و می‌گذرد و گرنه به جهنم می‌افتد.» (قمی، ۱۳۸۷ش: ۱۵۶ به نقل از بحارالانوار، ۱۲۹/۷) چنان‌که خداوند متعال فرموده است: X وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ B (الصافات: ۲۴)

عن ابی جعفر علیه‌السلام قال: قال رسول الله (ص) يا عَلِيُّ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَقْعُدُنَا وَ أَنْتَ وَ جَبْرَائِيلُ عَلَى الصِّرَاطِ فَلَمْ يَجْزُ أَحَدٌ إِلَّا مَنْ كَانَ مَعَهُ كِتَابٌ فِيهِ بَرَاءَةٌ بَوْلَايَتِكَ. [امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «رسول خدا (ص) فرموده‌اند: ای علی هرگاه روز قیامت برپا گردد من و تو و جبرئیل بر صراط می‌نشینیم و حق عبور از آن‌جا به هیچ‌کس داده نمی‌شود، مگر این‌که برگه عبور داشته باشد که تبرئه و رهایی او به سبب ولایت تو در آن ثابت گردیده باشد.» (صدوق، ۱۳۷۷ش: ۷۷/۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۱/۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۰۶۶/۷)

لذا اگر در این عالم به راه راست نبوت و طریق مستقیم ولایت قدم زده باشی و از جاده ولایت علی علیه‌السلام اعوجاج پیدا نکرده باشی و لغزش پیدا نکنی خوفی برای تو در گذشتن از صراط نیست، زیرا که حقیقت صراط صورت باطن ولایت است، چنان‌چه در احادیث وارد است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام صراط است. (کلینی، بی تا: ۴۱۶/۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۷/۲۴) و در حدیث دیگری است که «ماییم صراط مستقیم.» (صدوق، ۱۳۷۷ش: ۷۶/۱) و در زیارت مبارکه جامعه است که أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، و هر کس در این صراط به استقامت حرکت کند و پای قلبش نلرزد، در آن صراط نیز پایش نمی‌لغزد و چون برق خاطف از آن بگذرد. (خمینی، ۱۳۸۸ش: ۳۶۰)

به این ترتیب امام علیه‌السلام که در دنیا صراط و راه انسان را به سوی خدا معین می‌کند و سیطره بر نفس و ملکوت انسان دارد، در قیامت نیز که ظهور صفات و ملکات است سرعت و کندی حرکت انسان را از صراط معین فرموده و طبق سرعت و کندی که در حرکت به سوی خدا در دنیا داشته است، به همان میزان اجازه سرعت یا عدم سرعت حرکت او را از صراط می‌دهد و به افرادی که اتصال با مقام معنی و ولایت نداشته و روح شرف و فضیلت انسانیت را در وجود خود معدوم نموده‌اند، اجازه حرکت نداده و به جهنم امر می‌کند: آنان را در خود فروگیرد.

چون امام در دنیا بر ملکوت مؤمنین و غیرمؤمنین احاطه دارد، در آن‌جا نیز برفراز محلی بلند و مکانی رفیع که بر بهشت و جهنم مستولی است قرار می‌گیرد و مکان و منزلت هر یک از افراد نیک را در بهشت معین و منزل و مکان هر شخص فاسق و منحرف را در دوزخ تعیین می‌کند. آن مقام والا در

قرآن مجید تعبیر به اعراف شده است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۱/۱۶۸) X وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ B (الاعراف: ۴۶)

رسول خدا (ص) فرموده: أَثْبَتُكُمْ قَدَمًا عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي. [پایدارترین شما بر صراط کسی است که محبتش به اهل بیت علیهم السلام من بیشتر باشد]. (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۰۶۶/۷) و نیز به علی علیه السلام فرموده‌اند: مَا ثَبَتَ حُبُّكَ فِي قَلْبِ امْرِئٍ مُّؤْمِنٍ فَرَلَتْ بِهِ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا ثَبَتَتْ لَهُ قَدَمٌ حَتَّى يَدْخُلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِحُبِّكَ الْجَنَّةَ. [محبت تو در دل هیچ مؤمنی جای نگرفت، مگر این که هرگاه پایش بر صراط بلرزد، گامش استوار شود تا آن که خداوند به سبب محبتش به تو، او را به بهشت درآورد]. (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۰۶۶/۷)

در احادیث و روایات، گردنه‌ها و عقبه‌های دیگری نیز برای صراط بیان گردیده است:

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: ثُمَّ يَوْضَعُ عَلَيْهَا [ای علی جهنم] الصِّرَاطُ... عَلَيْهَا ثَلَاثُ قَنَاطِرَ فَأَمَّا وَاحِدَةً فَعَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَالرَّحِمُ وَ أَمَّا ثَانِيهَا فَعَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ فَعَلَيْهَا عَدْلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ. [آن‌گاه صراط بر فراز جهنم گذاشته می‌شود... روی آن سه پل قرار دارد، روی یکی از آن‌ها امانتداری و خویشاوندی جای دارد، روی دومی نماز و روی سومی عدالت پروردگار یگانه جهانیان]. (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۰۶۶/۷) و نیز امام باقر علیه السلام از ابوذر نقل فرموده‌اند که گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم:

حَافِنَا الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ وَالْأَمَانَةُ - فَإِذَا مَرَّ الْوَصُولُ لِلرَّحِمِ الْمُؤَدَّى لِلْأَمَانَةِ نَفَذَ إِلَى الْجَنَّةِ - وَ إِذَا مَرَّ الْخَائِنُ لِلْأَمَانَةِ الْقَطُوعُ لِلرَّحِمِ - لَمْ يَنْفَعُهُ مَعَهُمَا عَمَلٌ وَ تَكْفَأُ بِهِ الصِّرَاطُ فِي النَّارِ. [رحم و امانت در روز قیامت در دو جانب صراط هستند، پس وقتی وصل کننده رحم و اداکننده امانت بگذرد، به سوی بهشت عبور نماید و وقتی خیانت کننده به امانت و قطع کننده رحم بگذرد، صراط او را به آتش برگرداند و به او نفع نرساند]. (خمینی، ۱۳۸۸ش: ۴۷۸-۴۷۸)

از جمله امانات الهی، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت و دوستی خاندان رسالت علیهم السلام و شناخت مقام مقدس آن‌هاست. چنان‌چه در احادیث شریفه‌ی کثیره "امانت" را به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام تفسیر کرده‌اند و چنان‌چه غضب ولایت و سلطنت آن حضرت خیانت به امانت است، ترک تبعیت آن بزرگوار از مراتب خیانت است و در احادیث شریفه وارد است که شیعه کسی است که تبعیت کامل کند و إلا مجرد دعوی تشیع بدون تبعیت، تشیع نخواهد بود. (خمینی، ۱۳۸۸ش: ۴۸۰)

«نیز از احادیث استفاده می‌شود که در عقبات صراط از هفت چیز سؤال می‌شود: عقبه اول: سؤال از ایمان خالص است که همان اعتقاد به "کلمة لا اله الا الله" است با لوازم آن. از لوازم قبول رسالت

و قبول ولایت است و دلیل آن سخن امام رضا علیه السلام است که فرمود: «من از شروط لا اله الا الله هستم» (بروجردی، ۱۳۶۵ش: ۳۱۴) این روایت طور دیگری هم روایت شده است.

امام رضا علیه السلام از پدرش و آنان از علی علیه السلام و ایشان از رسول خدا (ص) و ایشان از جبرئیل علیه السلام و او از میکائیل و او از اسرافیل و او از لوح و از قلم روایت کرده اند که خداوند متعال فرمود: وَكَلَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي. [ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام برج و باروی محکم من است، هر کس در آن داخل شود از عذاب من ایمن خواهد بود.] (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش: ۳۰۱/۲)

عقبه دوم: سؤال از نماز است، عقبه سوم: از خمس و زکات و عقبه چهارم: سؤال از طهارت سه گانه (وضو، غسل، تیمم) عقبه پنجم: سؤال از حج و عقبه ششم: روزه، عقبه هفتم: که اشدّ عقبات است سؤال از حقّ الناس. (بروجردی، ۱۳۶۵ش: ۳۱۵) بنابراین برای گذر آسان از صراط تبعیت محض از أسوه های کامل بندگی خدا و دین مُمْتَل ضروری است.

برخی از بزرگان مانند شیخ صدوق معتقدند که عقبه های صراط در قیامت، عینا مانند آن عقباتی است که در دنیا، در کوه ها وجود دارند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۲۹/۷۰) در صورتی که برخی این معنا را بعید دانسته و معنای عقبه را در صراط از باب تشبیه معقول به محسوس دانسته و معتقدند منظور از این عقبات، گردنه ها و بندهایی مانند گردنه های کوه های دنیا نیست که در روی زمین انسان ها با عبور از آن کوه ها را می پیمایند، بلکه اعمال انسان به عقبات تشبیه شده است و کوتاهی های او در اعمال به سختی و مرارت عبور از گردنه تشبیه گردیده است. قرآن کریم هم به این معنا اشاره دارد و می فرماید: Xفَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ...B [چرا این انسان خود را به سختی و کوشش (تکلیف) نیانداخت و چه دانی که عقبه چیست؟ انسانی را آزاد کردن و طعام دادن...] (البلد: ۱- ۱۱)

یعنی اگر انسان این اعمال را به جا آورد، از عقبات عبور می کند و همان گونه که انسان در پیمودن عقبات و کوه ها در دنیا دچار سختی و گرفتاری می شود، از عهده گرفتاری و سختی واجب اب برآمدن در آخرت نیز همراه با سختی و گرفتاری است و این همان تشبیه معقول به محسوس است. وجهی ندارد که خداوند گردنه ها و بندهایی خلق کند و بدان ها نام نماز و زکات و روزه و حج و غیره بگذارد و انسان را الزام و اجبار کند که از آن ها بالا برود و اگر انسان از اطاعت خدا تقصیر کند، مانع از صعود او از این گردنه ها و کوه ها گردد. زیرا هدف از قیامت، آگاهی انسان از اعمال و جزا دادن بر اساس اعمال است و این کار به کوه ها و گردنه هایی به نام عقبات نیاز ندارد تا انسان مکلف باشد به سختی



آن‌ها را طی کند. علاوه بر این خبر صحیحی هم از معصوم به ما نرسیده و حجتی قائم نشده است تا باب استعمال معقول را در محسوس ببندیم. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۰/۷-۱۲۹)

علامه مجلسی خود پس از نقل نظر شیخ مفید، این نظر را رد کرده و می‌فرماید: «به مجرد استبعاد و دور بودن از درک عقلی ما، نمی‌توان ظواهر اخبار را تأویل کرد. خداوند به هر شکلی که اراده کند، می‌تواند گناه‌کاران را عقوبت کند، بنابراین اشکالی ندارد که مقصود از عقبات، همین معنای ظاهری عقبات دنیوی باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۰/۷) کلام علامه مجلسی، متین و پسندیده است. اگر انسان مخصوصاً نسبت به عوالم غیب که حس را به آن راهی نیست به دلیل بعید دانستن، راه تأویل را برگزیند، دیگر هیچ چیز باقی نخواهد ماند. (حسین تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۰/۸)

وجود عقبات بنابراین عقیده می‌تواند از جنس معانی معقوله‌ای باشد که انسان در خواب به صورت می‌بیند. در واقع همان‌گونه که اعمال و نیت‌ها و آرزوها در عالم خواب تجسم می‌یابد، نماز، روزه، حج و... در آن عالم نیز به صورت عقبات تجسم می‌پذیرد. ولی شیخ مفید نیز ظاهراً به این نکته اشاره دارند که در اخبار و آیات فراوانی، معانی معقول به معانی محسوس تشبیه شده‌اند، مثلاً معنای عرش و کرسی (۵: طه) و آمدن خداوند (۲۲: فجر) و....

تمامی این موضوعات از باب تشبیه معقول به محسوس است و یا از باب استعمال لفظ در معانی حقیقی آن. بنابراین عقبه به معنای تنگناست نه گردنه کوه و یا عرش به معنای محل حکمرانی است نه تخت چوبی و زرین. برای بیان معانی معقول، چاره‌ای نیست جز این‌که از معانی محسوس استفاده شود. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۳/۸-۹۷)

### ۳. تفاوت در عبور

مردم در گذشتن از پل صراط مختلفند و این اختلاف به جهت اختلاف مراتب ایمان و عملشان و نیز معرفت و تبعیت از امام در دنیاست. هر چه در دنیا، صراط مستقیم را با رغبت و سلامت پیموده باشند در آخرت نیز سرعت عبورشان از صراط بیشتر خواهد بود و به ازای هر انحرافی که در دنیا از صراط مستقیم داشته‌اند، قدم‌هایشان بر صراط آخرت می‌لغزد.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «النَّاسُ يَمْرُونَ عَلَى الصَّرَاطِ طَبَقَاتٍ... فَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ الْبَرْقِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ الْفَرَسِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ حَبْوًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مُتَعَلِّقًا قَدْ تَأَخَذَ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَ تَتْرُكُ شَيْئًا» [مردم در گذشتن از صراط به چند گروه تقسیم می‌شوند: برخی مانند برق می‌گذرند، برخی مانند اسب به تاخت می‌روند، برخی سینه خیز می‌گذرند و بعضی در حالی می‌گذرند که خود را به آن آویخته‌اند و آتش مقداری از بدن آن‌ها را گرفته است.] (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۰۶۸/۷؛ فیض

کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۵۴/۱)

و نیز از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمودند: «النَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ بِيَدٍ، وَ تَزُولُ قَدَمٌ يَسْتَمْسِكُ يُقَدِّمُ» [مردم بر صراط باشند برخی آویزان، بعضی لغزان و برخی پابرجا.] (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۰۶۸/۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۵۴/۱)، و در روایت دیگری است که: این راه تاریک است و هر کس به اندازه نور خود از آن می‌گذرد و حرکت می‌کند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۱/۱)

همان‌طور که قبلاً گفته شد، صورت ملکوتی و باطنی اعمال انسان در این عالم، به شکل پلی بر روی جهنّم که باطن و ملکوت دنیاست در قیامت ظهور می‌یابد. مقصود از دنیا، در این جا زمین و مافیها و نیز به معنای ظرف زمانی خاص نیست، حتی به معنای مزرعه آخرت و محل پرورش استعداد های انسان هم نیست، بلکه منظور تعلّقات و تعینات و اعتباریاتی است که به دنیا تعبیر می‌شود و این معنا، همان چیزی است که از موانع بزرگ و آفات اصلی نفس انسان و تحقق ولایت در انسان است، در همین راستا، کسی که در آمال دنیوی فرو رفت دیگر به فکر عبور از صراط در آخرت نمی‌افتد. (دستغیب، ۱۳۶۰ش: ۳۳۲)

صراط که در روایت آمده است: «إِنَّكُمْ تَتَهَفَّتُونَ كَنَهَافَتِ الْفَرَاشِ عَلَى السَّرَاجِ (ابن ابی فراس، بی تا: ۲۲۷/۱)، یعنی مردم مانند پروانه که از کنار چراغ فرو می‌افتند، از آن صراط سقوط می‌کنند. نفس انسان در هر بهره و حظی که از این عالم می‌برد، اثری می‌پذیرد که سبب تعلق آن به دنیا می‌شود. هر چه لذت‌جویی بیشتر باشد، تأثیری که از خود بر جا می‌گذارد و تعلق و محبّتی که نسبت به دنیا ایجاد می‌شود بیشتر می‌گردد تا آن‌جا که تمام توجه انسان به دنیا و زخارف آن جلب می‌شود. منشأ تمام معاصی و گناهان انسان نیز همین محبّت و علاقه به دنیاست که حجاب بین انسان و دار کرامت او، و نیز پرده‌ای بین قلب و حقّ است. (خمینی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۴-۱۲۱)

بنابراین تنها با حفظ نفس از تعلق و محبّت به دنیا و در سایه صیانت فطرت و رعایت تقوا، می‌توان چیزی را که از مو باریک‌تر است در تاریک‌تر از شب تشخیص داد و بر چیزی که از شمشیر تیزتر است در تاریک‌تر از شب به سلامت گذشت. (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۵۱۴/۱)

در سایه صیانت فطرت راستین و رعایت تقوا، می‌توان چیزی را که از مو باریک‌تر است در تاریک‌تر از شب تشخیص داد و بر چیزی که از شمشیر تیزتر است در تاریک‌تر از شب به سلامت گذشت. (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۵۱۴/۱)

پیامبر اکرم (ص) روی زمین زیست، ولی در دنیا درنگ نکرد و حتی یک لحظه در تعلّقات دنیوی

وارد نشد به همین جهت از جهنم عبور می‌کنند در حالی که بر ایشان سرد و خاموش است و مانند برق خاطف از صراط می‌گذرند، زیرا به دنیا آلوده نشده‌اند و دنیا نتوانسته ایشان را به خود سوق و گرایش دهد.

از انبیاء و اولیاء گذشته افراد دیگری که در درجات پائین‌تری هستند و به دنیا دل داده‌اند، برحسب اختلاف درجات و وابستگی به دنیا، عبورشان از صراط مختلف است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴/۸) گروهی از انسان‌ها در دنیا مؤمن بوده‌اند و برای وصول به مقام توحید و قطع علاقه از دنیا، دچار ابتلائاتی نیز شده‌اند. آنان با سرعت باد، از صراط عبور می‌کنند و افرادی که اهل آخرت بوده و اهل گناه نیستند اگرچه از اصحاب یمین هستند، ولی عشق و شور اهل توحید را نداشته‌اند، آنان مانند اسب سوار عبور می‌کنند. گرچه آتش به آن نمی‌رسد، ولی حرارت آتش را احساس می‌کنند. برخی دیگر از اصحاب یمین هستند ولی گناه و تقصیر هم دارند، این‌چنین افرادی پیاده عبور می‌کنند و بدیهی است که پیاده عبور کردن مشکل است و حرارت آنان را متأثر می‌سازد. گروه دیگری مرتکب شده‌اند. اینان آهسته و لنگان می‌گذرند. گاهی معلق از صراط شده و پاره‌ای از آتش آنان را فرا می‌گیرد، زمان عبور این افراد بسیار طولانی‌تر است و معلوم نیست چقدر جهنمشان طول بکشد. آن‌قدر باید بمانند تا تطهیر شوند، پس از آتش بیرون آمده و در حوض کوثر غسل می‌کنند و به برکت ولایت پاک و پاکیزه وارد بهشت می‌شوند، ولی آنان که در آتش مخلدند، اصلاً صراطی ندارند و برای همیشه در جهنم می‌مانند. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۸/۲۷-۲۴)

اهل شهود گفته‌اند: خداوند متعال صراط را از رحمت خود برای مؤمنان آفرید، پس صراط مخصوص یکتا پرستان است و کافران اجازه گذشتن از آن را ندارند، زیرا آتش از اطراف جایگاه، جباران و زورگویان را می‌رباید و سایر کفار نیز که به دنبال پرستش چیزهایی غیر از خداوند بودند به آتش وصل می‌شوند. پس نور میان یکتا پرستان به همان اندازه که در دنیا به دست آورده‌اند پخش می‌گردد و صراط برحسب مراتب یکتا پرستان تنگ و گشاده می‌شود، تنگی برای گناه‌کاران و گشادگی برای متقین و پرهیزکاران است و اصل گشادگی و وسعت برای انبیاء و اولیاست. به طوری که صراط برای آنان از لحاظ وسعت و فراخی مانند فرش می‌گردد و یکتا پرستان نیز برخی تند و برخی آهسته می‌روند.

اولین آنان مانند چشم برهم زدن و آخرین آنان مانند عمر دنیا هفت هزار سال طول می‌کشد تا بگذرند. زیرا یک گام رفته و لغزیده و در نتیجه می‌سوزد، سپس آن را بیرون می‌آورد و رحمت الهی آن را بهبود می‌بخشد و پس از بهبودی قدم لغزیده، قدم دیگر می‌لغزد و این دین اسلام بود که از رحمت،

گام‌های آنان را از لغزش دائمی و سوزش بیرون آورد، زیرا اگرچه اسلام را پذیرفتند ولی به آن وفا نکردند. (کاملاً عمل نکردند).

با این همه پلی از آن رحمت فرا راه آنان زده شده، پس بر آن پل می‌گذرند و هر کس از آنان چیزی از اعمال اسلام را بیکار و تباه کرده باشد در واقع رحمتی را که بدان مورد بخشش قرار می‌گیرد تباه نموده است و در نتیجه پایش می‌لغزد و تنگی و گشادی برای بنده نیز به مقدار رحمت الهی است یعنی به اندازه برخورداری بنده از رحمت و بخششی که خداوند در دنیا بخشش نموده راه برای او گشاده می‌گردد و تندی و آهستگی در طی نمودن صراط به اندازه نزدیکی به حق است، پس به اندازه برخورداری از نور قرب الهی، بنده تند و آهسته می‌رود. (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۰ش: ۲۹۸-۲۹۷)

زمان در عبور از صراط، زمان موهومی نیست بلکه زمان حقیقی است، زیرا صراط بعد از فناء فی‌الله است و در عالم بقاء بالله پس از فناء، هر چیزی به جای خود محفوظ است و (زمان، جسم، بدن، سؤال، ... ) بنابراین حتماً باید اختلاف کمیت زمان، برحسب اختلاف درجات ادراکات و اعمال مردم بوده و نسبی بودن زمان نسبت به مراحل متفاوت روندگان به سوی حرم الهی بوده باشد، چون همه به سوی خدا در حرکتند و همه پویا و جوئی‌ای او. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۶۴/۸)

## نتیجه

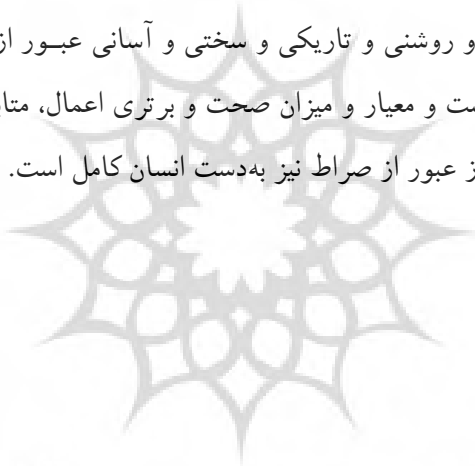
صورت باطنی صراطی که انسان در دنیا، در نفس خود می‌پیماید، در آخرت به صورت پلّی بر روی جهنّم کشیده می‌شود. پلّی که تنگی و گشادگی، روشنی و تاریکی و سختی و آسانی عبور از آن کاملاً وابسته به اعمال انسان در دنیا است. معیار و میزان صحت و پذیرش آن اعمال مطابقت با اعمال انسان کامل است و جهنمی که در زیر آن افروخته شده باطن و ملکوت تعینات و تعلّقات دنیوی است که سبب اشتعال شهوات و گناهان در دنیا گردیده و در آخرت به صورت لهیب‌های آتش بروز و ظهور یافته است. بنابراین عبور انسان‌ها بر اساس اختلافشان در تعلّق به دنیا از صراط اخروی مختلف خواهد بود، برخی به سرعت برق و برخی معلق از صراط و از آن‌جا که تمامی انسان‌ها راه خود را به سوی خداوند متعال در بستر دنیا و تعلّقات و تعینات آن طی می‌کنند، عبور همگان از جهنّم قطعی است، ولی بر آن‌که وقوف و درنگ نداشته‌اند سرد و سلامت است. سختی و مرارت انجام فرائض الهی، آسانی عبور از صراط و کوتاهی در انجام فرائض و لذّت‌جویی در دنیا، لغزندگی و عقبات سخت و دشوار صراط را رقم می‌زند.

هر انسانی در درون و جان خویش راهی به سوی خداوند متعال دارد، این راه از فطرت آغاز شده و تا لقاء مهر رب‌العالمین پیش می‌رود. اگر انسان از فطرت خویش منحرف نشده و با استمداد و تبعیت از واصلان به لقاء الهی و فانیان در حضرتش راه خویش را مستقیم در این دنیا طی کند، در آخرت نیز که صورت باطنی و ملکوتی صراط به صورت پلّی بر فراز جهنّم بنا نهاده می‌شود، مستقیم و بدون انحراف یا سقوط، عبور کرده و وارد بهشت می‌شود.

در روایات این صراط، باریک‌تر از مو و تیزتر از شمشیر و لغزشگاه‌های آن ترسناک و وحشت‌زا معرفی شده است. جهنّم نیز صورت ملکوتی تعلّقات دنیوی قرار گرفته و با آن در تعامل بوده‌اند، لذا عبور همگی آنان از جهنّم به‌عنوان باطن دنیا ضروری است، امّا برای کسانی چون رسول‌اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام که لحظه‌ای تعلّق و تأمل در جاذبه‌های دنیوی نداشته‌اند، سرد و سلامت است و عبور از صراط به جهت دارابودن جمیع کمالات و برترین اعمال، به سرعت برق، آسان و سریع و بالتبع برای کسانی که بیشترین شباهت و تبعیت را از ایشان در پیمودن صراط دنیوی داشته‌اند به آسانی عبور اسب سوار و حرات و نیران جهنّم در کمترین اندازه ممکن خواهد بود. تیزی و لغزندگی آن نیز نصیب کسانی می‌شود که در دنیا در عمل و اعتقاد خویش کوتاهی کرده و از صراط انسان کامل و بندگی خداوند متعال منحرف و خارج بوده‌اند. این صراط عقباتی نیز دارد، نام هر یک از عقبات صراط، با نام یکی از واجبات الهی نام‌گذاری شده و در آن از چگونگی عمل به آن فریضه سؤال می‌شود. هر کس

آنرا انجام داده و کوتاهی و تقصیری نکرده باشد از آن به سلامت و سرعت می‌گذرد و هر کس آنرا فرو گذاشته و ضایع کرده باشد، بر آتش جهنم فرو می‌افتد و تا وقتی که خدا می‌داند در آن می‌ماند. مهم‌ترین عقباتی که از آن بسیار یاد می‌شود ولایت است که در واقع کلید ورود به صراط است، کسی که ولایت و سرسپردگی خداوند متعال را نپذیرفته باشد مستقیماً در جهنم سقوط می‌کند و در آن مخلد باقی می‌ماند، ولی دیگران هر کس بنا بر درجه ولایت پذیری خود به سرعت یا کندی حرکت خواهد کرد.

برخی معتقدند عقبات صراط، عیناً مانند عقبات و گردنه‌های کوه‌ها در دنیا است. اگرچه اراده‌ی خداوند بر هر چه تعلق گیرد امکان‌پذیر خواهد بود، ولی به نظر می‌رسد که استعمال لفظ عقبه برای صراط اخروی از نوع استعمال لفظ در معنای حقیقی است. در این صورت معنایی که از عقبه دریافت می‌گردد عبارت است از سختی و تنگی و شدت عبور از صراط و بازخواست از فرائض الهی. بنابراین تنگی و گشادگی و روشنی و تاریکی و سختی و آسانی عبور از صراط اخروی کاملاً وابسته به اعمال انسان در دنیا است و معیار و میزان صحت و برتری اعمال، متابعت آن‌ها با اعمال انسان کامل است، به همین جهت جواز عبور از صراط نیز به دست انسان کامل است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.

نهج البلاغه. جمع آوری: محمد بن الحسن سید رضی. (بی تا). ترجمه علینقی فیض الاسلام، تهران: بی نا.  
ابن ابی فراس، ورام. (بی تا). مجموعه ورام. قم: انتشارات مکتبه الفقیه.  
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.  
ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: محمدحسین شمس الدین.  
بیروت: دارالکتب العلمیه.

بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۹ق). البرهان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات

بروجردی، شیخ محمد تقی. (۱۳۶۵ش). کتاب العشرات المنجیه من الهلکات. تهران: انتشارات غدیر.  
بلاغی، محمد جواد. (۱۴۰۲ق). آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.  
بهرام پور، ابوالفضل. (۱۳۸۶ش). نسیم حیات. قم: انتشارات هجرت.  
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳ش). تسنیم. قم: نشر اسراء.  
حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۲ق). امام شناسی. مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی.

----- (۱۴۱۷-۱۴۲۳ق). معاد شناسی. مشهد: نشر علامه طباطبائی.

خمینی، روح الله. (۱۳۸۸ش). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۷۰ش). صحیفه نور. بی جا: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

----- (بی تا). تفسیر قرآن مجید. (برگرفته از آثار) بی جا: بی نا.

دستغیب، سید عبدالحسین. (۱۳۶۰ش). کتاب توحید. شیراز: چاپ مصطفوی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.

زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). تفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج. بیروت: دارالفکر المعاصر.

شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). عیون اخبار الرضا. تحقیق: علی اکبر غفاری و ترجمه حمید رضا مستفید. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

----- (۱۳۷۷ش). معانی الاخبار. ترجمه: شیخ عبدالعلی محمدی شاهرودی.

تهران: دارالکتب الإسلامیه.

صدرالمتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۰ش). اسرار آیات. ترجمه محمد خواجهوی. تهران: انتشارات مولی.

----- (۱۳۶۶ش). تفسیر القرآن الکریم. تحقیق: محمد خواجهوی. قم: انتشارات

بیدار.

صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.  
طباطبایی، سید محمدحسین. بی تا. المیزان فی تفسیر القرآن الکریم. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی.  
قم: دارالعلم.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۵ش). مجمع البحرین. تهران: نشر مرتضوی.  
عروسی حویزی، علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی. قم:  
انتشارات اسماعیلیان.

فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تحقیق حسن اعلمی. تهران: صدرا.  
قمی، حاج شیخ عباس. (۱۳۸۷ش). منازل الاخرة. تهران: جهان آرا.  
قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ش). تفسیر قمی. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. قم: دارالکتاب.  
کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). اصول کافی. ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی. بی جا: مؤسسه  
تحقیقات و انتشارات نور.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.  
محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۷ش). میزان الحکمة. ترجمه: حمیدرضا شیخی. قم: دارالحديث.  
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.